

منابع پیش‌بینی‌کننده انسجام گروهی در بازیکنان فوتبال از دیدگاه هوش هیجانی

دکتر بهروز عبدلی^۱، سیدحجت زمانی ثانی^۲، زهرا فتحی رضایی^۳

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی

۲ و ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت بدنی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۳/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱/۱۷

چکیده

در ورزش‌های تیمی، انسجام گروهی عامل مهمی در کسب موفقیت به حساب می‌آید. بنابراین هدف تحقیق حاضر بررسی منابع پیش‌بینی‌کننده انسجام گروهی در بازیکنان فوتبال از دیدگاه هوش هیجانی است. جامعه آماری تحقیق حاضر را تیم‌های فوتبال دسته دو باشگاه‌های تهران در سال ۱۳۸۷ تشکیل داده‌اند. از این میان تعداد ۹۵ ورزشکار از هشت تیم به صورت خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه هوش هیجانی شرینگ و پرسشنامه محیط گروهی (کارون، ویدمایر و براولی) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش آمار همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی در سطح معنی‌داری $P \leq 0/05$ استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین هوش هیجانی و انسجام گروهی در بازیکنان فوتبال وجود دارد ($r = 0/56$ ، $p < 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که هوش هیجانی، قابلیت پیش‌بینی انسجام گروهی را داشته است ($\text{Adjusted } r^2 = 0/53$) و خرده‌مقیاس‌های خودآگاهی و مهارت‌های اجتماعی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های انسجام گروهی بودند. با توجه به نتیجه تحقیق می‌توان گفت که هوش هیجانی می‌تواند انسجام گروهی را در تیم‌های ورزشی پیش‌بینی کند. لذا با آموزش‌های لازم برای افزایش هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن می‌توان به انسجام گروهی بیشتر و در نتیجه به نتایج بهتری در تیم‌های ورزشی دست یافت.

کلیدواژه‌های فارسی: پویایی‌های گروهی، هوش هیجانی، ورزش‌های تیمی، روان‌شناسی ورزشی.

مقدمه

پویایی‌های گروهی^۱، از زمان جنگ جهانی دوم مورد علاقه روان‌شناسان قرار گرفته است و از لحاظ تاریخی، انسجام^۲ به عنوان مهم‌ترین موضوع تحقیقاتی در گروه‌های کوچک مورد توجه محققان بوده است (۱). انسجام گروهی، اصطلاحی برای توصیف احساس جذابیت‌های بین فردی و احساس تعلق به گروه توسط اعضاست (۲). گروه‌هایی که در آنها اعضا همدیگر را دوست دارند و می‌خواهند در کنار یکدیگر باقی بمانند، گروه‌های منسجم نامیده می‌شوند (۲)، (۳، ۴). تحقیق درباره انسجام گروهی در تیم‌های ورزشی به اوایل دهه ۵۰ برمی‌گردد؛ جایی که محققان روان‌شناسی اجتماعی به بررسی ارتباط بین همبستگی و کارایی تیمی پرداختند. در این پژوهش‌ها نشان داده شده، افرادی که انسجام و کشش آنها به گروه بیشتر است، نسبت به افراد دیگر گروه کارا تر و مؤثرتر هستند (۲). همچنین نشان داده شده است که در گروه‌های ورزشی با عملکرد متقابل^۳ مثل تیم‌های بسکتبال (کلین و کریستیانسن^۴ ۱۹۶۶؛ مارتنز و پترسون^۵ ۱۹۷۱؛ پترسون ۱۹۷۰)، تیم‌های فوتبال (استوقدیل^۶ ۱۹۶۳) و تیم‌های والیبال (وس، کوز و برینکمن^۷ ۱۹۶۷)، تیم‌های موفق، انسجام گروهی بالایی نسبت به تیم‌های ناموفق دارند. در واقع برای کارایی بیشتر، اعضای تیم‌های ورزشی با عملکرد متقابل، مهارت‌های مختلف و ویژه خود را به صورت ترکیبی و در تعامل با مهارت‌های اعضای دیگر تیم به منظور دستیابی به عملکرد مطلوب در یک فرایند مشترک، به عنوان کار گروهی^۸ می‌شناسند (۱). کارون^۹ (۲۰۰۲) گزارش کرد، در ورزش‌هایی که فعل و انفعالات قابل ملاحظه و همکاری و هماهنگی زیادی در بین بازیکنان آن وجود دارد (مانند فوتبال، والیبال و ...) برای موفقیت تیمی سطوحی از انسجام گروهی مورد نیاز است (۳). در واقع، انجام موفقیت‌آمیز هر کار گروهی مستلزم وجود انسجام در بین اعضای گروه است. در ورزش به‌ویژه ورزش‌های تیمی مانند سایر گروه‌ها و سازمان‌ها شرط لازم برای بهترین عملکرد، داشتن هدف مشترک سازمانی و تیمی و همچنین وحدت و انسجام گروهی است که بی‌تردید نقش بازیکنان در این زمینه یک نقش کلیدی است.

^۱. Group dynamics

^۲. Cohesion

^۳. Interacting Sport Groups

^۴. Klein & Christiansen

^۵. Martens & Peterson

^۶. Stogdill

^۷. Vos, koos & Brinkman

^۸. Team- work

^۹. Carron

تیم‌های موفق ورزشی معمولاً دارای یک صفت برجسته هستند که آنها را از تیم‌های ناموفق متمایز می‌سازد و آن انسجام در بین اعضای تیم است (۵). فعالیت ورزشی تحت تأثیر عوامل روانی و فیزیکی زیادی قرار دارد. شناخت و تقویت چنین عواملی برای مربیان و آموزش مهارت‌های ورزشی بسیار حائز اهمیت است. هنگامی که بازیکنان برای کسب نتیجه به کنش متقابل می‌پردازند، باید علاوه بر به حد مطلوب رساندن اجرای فردی، به نیروها و فرآیندهای درونی و عوامل تأثیرگذار بر عملکرد گروهی آنان نیز توجه شود. با اینکه عده زیادی از مربیان و کارشناسان با این اظهارات موافق‌اند و تحقیقات بسیاری نیز انجام شده است تا اهمیت انسجام گروهی در گروه‌های مختلف و نقش آن در موفقیت ورزشی را توصیف کنند (کارون و بری^۱، ۲۰۰۲؛ کارون و کولمن^۲، ۲۰۰۲؛ مرادی، ۱۳۸۳؛ هیوز^۳، ۲۰۰۶؛ پترسون^۴، ۲۰۰۵ و تزینر^۵، ۲۰۰۳)، اما تاکنون تحقیقات اندکی به مطالعه متغیرها و عوامل مرتبط با عملکرد گروهی و عوامل تأثیرگذار روی آن در ورزش معطوف بوده است و اینکه چه مواردی می‌تواند این مؤلفه را در افراد و بالطبع در گروه بهبود بخشد، نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.

عوامل تعدیل‌کننده بسیاری می‌توانند روی انسجام تیمی مؤثر باشند. تحقیقات نشان می‌دهند که عوامل محیطی^۶ (۹) مثل اندازه تیم و سطح رقابت، عوامل فردی^۷ مثل میزان رضایت فردی (۱۰) و پایبندی، عوامل رهبری و مربیگری^۸ مثل رفتار مربی و سبک تصمیم‌گیری (۱۰، ۱۱) و عوامل تیمی^۹ مثل هنجارهای تیمی (۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴)، قوانین و کارایی جمعی (۶، ۱۵، ۱۶) با انسجام گروهی عملکرد متقابل دارند (۳). علاوه بر این موفقیت تیمی (۳، ۴، ۱۷)، نوع تکالیف و وظایف در تیم‌های ورزشی، سطح مهارت و تجربه ورزشکاران (۴) نیز دارای رابطه معنی‌داری با انسجام تیمی هستند و برخی، قابلیت پیش‌بینی این فاکتور را دارند. از جمله عوامل فردی (۲) که به نظر می‌رسد روی انسجام و همبستگی تیمی اثر گذار باشد، خلق و خوی^۱، ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات عاطفی و روانی افراد است.

^۱. Carron & Bray

^۲. Carron & Colman

^۳. Heuze

^۴. Peterson

^۵. Tziner

^۶. Environmental Factors

^۷. Personal Factors

^۸. Leadership Factors

^۹. Team Factors

^{۱۰}. Mood

همان‌طور که ذکر شد، انسجام نه تنها با عملکرد و موفقیت ورزشی مرتبط است، بلکه تحقیقات نشان می‌دهند که با ویژگی‌های شخصیتی و خلق و خوی ورزشکاران نیز مرتبط می‌باشد (۱۷، ۱۸). لاوزر و همکاران^۱ (۲۰۰۷) گزارش کردند که انسجام تیمی با قدرت روانی^۲ رابطه معنی‌داری دارد. تزینر^۳ و همکاران (۲۰۰۳) نیز در مقاله خود به اهمیت ویژگی‌های فردی در روابط بین فردی و انسجام اجتماعی اشاره کرده‌اند. توانایی شناخت احساسات، نقاط ضعف و قوت خویش و عوامل به وجود آورنده آنها، توانایی درک احساسات دیگران، واکنش‌های مناسب در برابر افراد و توانایی مدیریت روابط خود با دیگران، از جمله توانمندی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی است که به نظر می‌رسد در این مقوله مهم و اساسی باشند. از نظر گلمن^۴ افرادی که از نظر اجتماعی متوازن، خوش برخورد و بشاش هستند و آنهایی که در زمینه‌های خدمت به مردم یا حل مشکلات آنان، قبول مسئولیت و برخورداری از دیدگاه‌های اخلاقی ظرفیت قابل توجهی دارند و در ارتباط با دیگران هم‌حسی و توجه نشان می‌دهند، به نسبت زیاد از خصوصیتی برخوردارند که "هوش هیجانی"^۵ نامیده می‌شود (۱۹). مهارت‌های شناختی بسیاری برای یک کار گروهی مؤثر، لازم و ضروری است (برای مثال تصمیم‌گیری و خلاقیت) که تحت تأثیر هیجانات قرار می‌گیرند. هیجانات مثبت، برای افزایش توانایی در ایجاد تصمیم‌گیری‌های مؤثر و سریع (ایسن، ۲۰۰۱)؛^۶ ایجاد طرح‌های آتی (مایر، ۱۹۸۶)؛ سازمان‌دهی افکار (ایسن و دابمن، ۱۹۸۴)؛^۷ حل مشکلات با خلاقیت فکری (ایسن و همکاران، ۱۹۸۷) و مقاومت در برابر مشکلات (سالوی و بیرنباوم، ۱۹۸۹)؛^۸ متمر ثمر هستند (۲۰). والرند و بلنچارد^۹ (۱۹۹۹) اظهار کردند که هیجانات به طور ذاتی رفتارها و ارتباطات ورزشکاران را در مسابقه و تمرین تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین نشان داده شده است که هیجانات نقش بسیار مهمی در موقعیت‌های بین فردی ایفا می‌کنند و به عنوان یک منبع اصلی ایجادکننده پاسخ‌های هیجانی و رفتاری، در برابر دیگران عمل می‌کنند

^۱. Lowther et al.

^۲. Vigour

^۳. Tziner

^۴. Goleman

^۵. Emotional intelligence

^۶. Isen

^۷. Isen & Dubman

^۸. Salovey & Birnbaum

^۹. Vallerand & Blanchard

(فریجدا و مکویتا ۱۹۹۴)^۱. برای مثال الفنبین و همکاران^۲ (۲۰۰۲) معتقدند که درک صحیح هیجانان افراد (نوع و شدت هیجانان) پیش بینی و فهم عملکردهای آتی آنها را تسهیل می کند. در حیطه ورزش، تمرین و مسابقات نیز جنبه های بین فردی هیجانان و توانایی های هیجانی در موقعیت های مختلفی مانند عملکردها و روابط بین بازیکنان، ورزشکاران و مربیان و غیره .. بروز می کند. بنابراین، تیمی که بتواند هیجانان برای تسهیل تفکر در سازگاری رفتاری با عملکرد بازیکنان ایجاد کند، احتمالاً موفقیت های بیشتری کسب خواهد کرد (۲۱). تحقیقات نشان می دهند که هوش هیجانی بالا، به فرد کمک می کند با تقویت سلامت روانی، توان همدلی با دیگران، سازش اجتماعی، بهزیستی هیجانی، رضایت از زندگی و کیفیت روابط اجتماعی را بهتر سازد و مشکلات بین شخصی را کاهش دهد (بشارت، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و یوسفی ۱۳۸۵). تحقیقات پیشین نشان می دهند که سازه هوش هیجانی می تواند در برخی از مسائل ورزشی نیز که شامل عملکرد ورزشی و موفقیت تیمی (۲۵، ۲۷) و کارایی رهبری در تیم (۲۸) است، به عنوان عامل تأثیرگذار شناخته شود. اما موضوعی که مطرح می شود این است که "هوش هیجانی چگونه روی موفقیت ورزشی تأثیر می گذارد؟" از عوامل تعدیل کننده ای که به نظر می رسد می تواند به طور بالقوه روی ارتباط مثبت هوش هیجانی و موفقیت تیمی تأثیر داشته باشد، انسجام گروهی است (۲۱). بدون شک توسعه عوامل مشترک که هم در هوش هیجانی و هم در انسجام گروهی به چشم می خورد، می تواند روابط بین فردی را در تیم های ورزشی بهبود بخشد و مزایای خود را که از آن جمله رسیدن به اهداف مشترک و موفقیت تیمی است تا حدودی تضمین کند. با توجه به موارد ذکر شده در انسجام گروهی تیم ها و عوامل سازنده آن و ترکیب این مبحث با سازه هوش هیجانی، به نظر می رسد مؤلفه های هوش هیجانی افراد بر ساختار انسجام گروهی اثرگذار باشند؛ بنابراین پژوهش حاضر در نظر دارد تا عوامل پیش بینی کننده انسجام گروهی بازیکنان فوتبال را از دیدگاه هوش هیجانی بررسی کند. در واقع اگر هوش هیجانی بتواند انسجام گروهی را پیش بینی کند می توان با آگاهی از هوش هیجانی اعضای تیم، به انسجام گروهی تیم پی برد و در صورت نیاز مداخله های روان شناختی را برای تأثیر بر هوش هیجانی و در نتیجه بهبود انسجام گروهی و بالطبع بهبود عملکرد ورزشی ارائه کرد.

¹. Frijda & Mequita

². Elfenbin et al.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع توصیفی-همبستگی است که به شکل میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه بازیکنان تیم‌های فوتبال لیگ دو استان تهران در سال ۱۳۸۷ تشکیل داده‌اند. از تعداد ۲۲ تیم شرکت‌کننده، ۸ تیم و از بین آنها تعداد ۹۵ ورزشکار به صورت خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری هوش هیجانی از پرسشنامه هوش هیجانی شرینگ^۱ استفاده شد. این پرسشنامه که در ایران توسط منصوری (۱۳۸۰) هنجاریابی شده است، پرسشنامه‌ای ۳۳ سؤالی است که پنج مؤلفه هوش هیجانی شامل خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱) می‌سنجد. منصوری اعتبار سازه‌ای این پرسشنامه را با آزمون عزت نفس کوپر اسمیت و پایایی آن را با استفاده از آلفای کرونباخ، هردو، ۰/۸۴ محاسبه کرده است (۲۹). در این پژوهش، محقق پایایی مؤلفه‌های آن را با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۲ به دست آورد. برای ارزیابی انسجام گروهی نیز از پرسشنامه ۱۸ سؤالی محیط گروهی^۲ کارون، ویدمایر و براولی^۳ (۱۹۸۵) استفاده شد. پایایی این آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد. پرسشنامه یادشده چهار حیطه (۱) کشش‌های فردی به گروه - اجتماعی^۴، (۲) کشش‌های فردی به گروه - تکلیف^۵، (۳) یکپارچگی گروهی - تکلیف^۶ و (۴) یکپارچگی گروهی - اجتماعی^۷ را در مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت در یک پیوستار از کاملاً موافقم = ۹ تا کاملاً مخالفم = ۱ اندازه‌گیری می‌کند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار همبستگی و رگرسیون خطی در نرم‌افزار آماری SPSS 15 استفاده شد. سطح معنی‌داری آزمون‌ها نیز $p \leq 0/05$ در نظر گرفته شد.

یافته‌های تحقیق

برای بررسی همبستگی بین هوش هیجانی و انسجام گروهی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ آمده است.

¹. Sheering

². Group Environment Questionnaire (GEQ)

³. Caron, Widmeyer & Brawley

⁴. Individual attraction to the Group- Social (IATG- S)

⁵. Individual Attraction to the Group- Task (IATG- T)

⁶. Group Integration- Task (GI- T)

⁷. Group Integration- Social (GI- S)

جدول ۱. نتایج ضریب همبستگی بین هوش هیجانی، انسجام گروهی و مؤلفه‌های آنها

مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱- انسجام گروهی	۱/۰۰										
۲- هوش هیجانی	۰/۵۶۳**	۱/۰۰									
۳- خودانگیزی	۰/۰۹۱	۰/۳۱۰**	۱/۰۰								
۴- همدلی	۰/۰۴۴	۰/۴۴۶**	۰/۰۰۸	۱/۰۰							
۵- مهارت‌های اجتماعی	۰/۷۲۳**	۰/۶۲۶**	-۰/۰۵۴	۰/۱۰۴	۱/۰۰						
۶- خودکنترلی	۰/۴۷۳**	۰/۶۱۸**	۰/۰۱۷	۰/۰۳۹	۰/۵۰۸**	۱/۰۰					
۷- خودآگاهی	۰/۲۷۸**	۰/۶۳۹**	۰/۰۳۶	-۰/۰۱۱	۰/۲۶۶**	۰/۱۵۳	۱/۰۰				
۸- کشش‌های فردی به گروه- اجتماع	۰/۶۶۱**	۰/۴۱۷**	۰/۰۶۹	۰/۱۴۳	۰/۴۸۲**	۰/۲۹۵**	۰/۱۹۰	۱/۰۰			
۹- کشش‌های فردی به گروه- تکلیف	۰/۶۸۲**	۰/۴۰۵**	۰/۰۸۴	-۰/۰۵۲	۰/۵۲۷**	۰/۳۸۰**	۰/۲۲۴*	۰/۰۳۲	۱/۰۰		
۱۰- یکپارچگی گروهی- تکلیف	۰/۶۶۲**	۰/۳۳۵**	۰/۱۱۵	-۰/۱۱۶	۰/۴۳۲**	۰/۳۶۱**	۰/۱۸۴	۰/۰۹۰	۰/۶۶۱**	۱/۰۰	
۱۱- یکپارچگی گروهی- اجتماع	۰/۷۱۰**	۰/۳۷۱**	-۰/۰۴۳	۰/۱۲۵	۰/۵۲۸**	۰/۲۵۰*	۰/۱۸۷	۰/۴۸۴**	۰/۳۳۰**	۰/۱۴۵	۱/۰۰

P < ۰/۰۱**

P < ۰/۰۵*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتایج نشان می‌دهند که بین هوش هیجانی و انسجام گروهی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/562$ و $P < 0/01$). علاوه بر این، همه مؤلفه‌های انسجام گروهی با هوش هیجانی رابطه مثبت و معنی‌داری دارند، (کشش‌های فردی به گروه- اجتماع و $r = 0/417$ EI و کشش‌های فردی به گروه- تکلیف و $r = 0/405$ EI و یکپارچگی گروهی- تکلیف و $r = 0/335$ EI و یکپارچگی گروهی- اجتماع و $r = 0/371$ EI).

همچنین تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ها نشان می‌دهند که از بین همه خرده مقیاس‌های هوش هیجانی، مؤلفه‌های خودآگاهی ($r = 0/278$ ؛ $P < 0/01$)، مهارت‌های اجتماعی ($r = 0/222$ ؛ $P < 0/01$)، و خودکنترلی ($r = 0/473$ ؛ $P < 0/01$) همبستگی مثبت و معنی‌داری با انسجام گروهی دارند. در ادامه، برای بررسی تأثیر خرده مؤلفه‌های هوش هیجانی در پیش‌بینی انسجام گروهی از ضریب رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. نتایج تحلیل آماری نشان داده شده در جدول شماره ۲ حاکی از آن است که مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌توانند ۵۳ درصد واریانس متغیر انسجام گروهی را تبیین کنند.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون هم‌زمان انسجام گروهی بر حسب متغیرهای پیش‌بین

P	F	df	Std. Error of the Estimate	R ² Adjusted	R ²	R	مدل رگرسیون
0/0005	22/568	5 و 89	9/708	0/534	0/559	0/748	متغیرهای پیش‌بین

همچنین نشان داده شده است که از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، خرده مقیاس خودآگاهی ($P = 0/042$) و مهارت‌های اجتماعی ($P = 0/0005$)، قابلیت پیش‌بینی انسجام گروهی را در بین بازیکنان فوتبال دارند. نتایج در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳. شاخص‌های آماری رگرسیون رابطه مؤلفه‌های هوش هیجانی با انسجام گروهی

P	t	Beta	Std. Error	B	متغیرهای پیش‌بین
0/042	1/702	0/120	0/426	0/724	خودآگاهی
0/261	1/130	0/083	0/261	0/295	خودانگیزی
0/106	1/632	0/134	0/384	0/624	خودکنترلی
0/690	-0/401	-0/028	0/313	-0/125	همدلی
0/0005	7/592	0/624	0/555	4/212	مهارت‌های اجتماعی

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، با هدف پیش‌بینی انسجام گروهی بازیکنان فوتبال از دیدگاه هوش هیجانی انجام شد. در این راستا نتایج نشان داده است که هوش هیجانی با انسجام گروهی دارای رابطه معنی‌داری است و دو مؤلفه خودآگاهی و مهارت‌های اجتماعی قابلیت پیش‌بینی انسجام گروهی را دارند. در واقع نشان داده شد که هوش هیجانی و به طور دقیق‌تر خودآگاهی (توانایی شناخت احساسات، نقاط ضعف و قوت خویش و عوامل به وجود آورنده نوع احساسات) و مهارت‌های اجتماعی (توانایی مدیریت روابط خود با دیگران) از عوامل مهم و تأثیرگذار در انسجام گروهی هستند. با اینکه هیچ تحقیق کاملاً مشابهی در این ارتباط یافته نشد، با این حال یافته‌های این تحقیق با تحقیقات مشابه دیگر همخوانی دارد (۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۶). یوسفی (۱۳۸۵) در بررسی رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های ارتباطی به این نتیجه رسید که بین این دو، رابطه معنی‌داری وجود دارد و افراد دارای هوش هیجانی بالا از تعامل‌های اجتماعی مثبت‌تری برخوردارند و در روابط بین فردی موفق‌ترند. لاووزر (۲۰۰۷) نیز در زمینه ورزش‌های تیمی، رابطه معنی‌داری را بین انسجام گروهی و خلق و خوی مثبت و عملکرد ورزشی گزارش می‌کند. او در مقاله تحقیقی خود با عنوان ارتباط بین خلق و خوی، انسجام و رضایت فردی با عملکرد بازیکنان فوتبال به این نتیجه رسید که کشش به گروه- تکلیف و کشش به گروه- اجتماعی رابطه معنی‌داری با قدرت روانی بالا دارد. این موضوع با یافته‌های تری (۲۰۰۰) نیز مطابقت دارد. او شرکت کردن در تیم‌های منسجم را با خلق و خوی مثبت همراه می‌داند و این احتمال را می‌دهد که افراد با استفاده از حس همبستگی و تعلق خود به گروه بتوانند حالت‌های روان‌شناختی منفی خویش را بعد از شکست ترمیم کنند (۱۴). بشارت (۱۳۸۶) در تحقیقات خود در مورد هوش هیجانی و مشکلات بین شخصی همبستگی منفی معنی‌داری را گزارش کرد. او بیان می‌کند که هوش هیجانی با زمینه‌های مختلف مشکلات بین‌شخصی همچون قاطعیت، مردم‌آمیزی، صمیمیت، و مسئولیت‌پذیری، همبستگی منفی معنی‌دار دارد. با توجه به مبانی و اصول ساختاری هوش هیجانی و نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات قبلی، آنچه برداشت می‌شود این است که سازه هوش هیجانی باعث تقویت سلامت روانی، توان همدلی، سازش اجتماعی و بهزیستی هیجانی می‌شود، رضایت از زندگی، زمینه بهبود روابط اجتماعی را فراهم می‌سازد و مشکلات بین‌شخصی را کاهش می‌دهد. همچنین سازوکارهای پیش‌بینی هیجان‌ها، افزایش توان کنترل آنها، تقویت راهبردها و رویارویی کارآمد، به فرد کمک می‌کند تا کیفیت روابط اجتماعی را بهتر سازد.

نشان داده شده است که مشارکت در تیم‌های منسجم با برخی از ویژگی‌ها مثل: بهبود خلق و خوی (تری، کارون، پینک و همکاران ۲۰۰)، افزایش عزت نفس (جولیان، بشوپ و فیلدر ۱۹۶۶)، افزایش اعتقاد به توانایی گروه در برابر رویدادهای منفی و اختلالات گروهی (براولی، کارون و ویدمار ۱۹۸۸) و آمادگی بیشتر اعضای گروه برای تقسیم وظایف در گروه (براولی، کارون و ویدمار ۱۹۸۷) رابطه دارد (۲). در واقع آنچه از تحقیقات قبلی و تحقیق حاضر به دست می‌آید این است که افرادی که در گروه‌های منسجم‌تری عضویت دارند، میزان بالایی از روحیات و ویژگی‌های شخصیتی مثبت را دارند و هم عضویت در گروه، باعث افزایش این ویژگی‌ها می‌شود و همچنین ویژگی‌های مثبت، فرد را به طرف گروه‌های منسجم‌تر با ویژگی‌های یاد شده سوق می‌دهند.

همان‌طور که ذکر شد، هیجان‌ها به طور ذاتی رفتارها و ارتباطات ورزشکاران را در مسابقه و تمرین تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین هیجان‌ها نقش بسیار مهمی در موقعیت‌های بین فردی ایفا می‌کنند و به عنوان یک منبع اصلی ایجادکننده پاسخ‌های هیجانی و رفتاری در برابر دیگران عمل می‌کنند (فریجدا و مکویتا ۱۹۹۴). به همین دلیل درک صحیح هیجان‌ها افراد (نوع و شدت هیجان‌ها)، پیش‌بینی و فهم عملکردهای آتی آنها را تسهیل می‌کند. در حیطه ورزش، تمرین و مسابقات نیز جنبه‌های بین فردی هیجان‌ها و توانایی‌های هیجانی در موقعیت‌های مختلفی مانند عملکردها و روابط بین بازیکنان، ورزشکاران و مربیان و غیره ... بروز می‌کند. کارون و همکاران (۲۰۰۷) راهبردهای مداخلات روان‌شناختی در حیطه ارتباطات بین فردی و عملکردهای متقابل را به منظور پیشبرد انسجام تیمی ارائه کردند. این راهبردها به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شدند. در نوع غیر مستقیم بر فاکتورهای مؤثر در انسجام گروهی تأکید شده است. اعتقاد بر این است که هوش هیجانی با استفاده از آموزش‌های مقتضی، قابلیت یادگیری و پیشرفت را دارد (گراوال و همکاران ۲۰۰۶)^۱. در حال حاضر، مداخلات آموزشی هوش هیجانی به طور موفقیت‌آمیزی در محیط‌های آموزشی مدارس اجرا (مانند براکت و کاتولاک ۲۰۰۶)^۲ و برای کارهای تجاری نیز پیشنهاد شده است (لوپز و همکاران ۲۰۰۶)^۳، از آنجایی که در این پژوهش، رابطه مثبت و معنی‌داری بین هوش هیجانی و انسجام گروهی بازیکنان فوتبال و همچنین قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی خودآگاهی و مهارت‌های اجتماعی هوش هیجانی در انسجام گروهی مشاهده شده است، لذا تأکید روی برنامه‌هایی برای افزایش هوش هیجانی بازیکنان فوتبال می‌تواند به

¹. Grawal et al.

². Bracket & Katulak

³. Lopes et al.

عنوان یکی از راه‌های مداخلات روان‌شناختی در بهبود انسجام گروهی و در نتیجه بهبود عملکرد به کار رود. در واقع این مداخلات، بیشتر با هدف افزایش عملکردهای هیجانی و اجتماعی طراحی می‌شوند، نه با تمرکز روی اهداف پیشبرد عملکرد تیم؛ اما با این حال تأثیر خود را به طور غیر مستقیم روی عملکرد و موفقیت تیم خواهند گذاشت.

منابع:

1. Smith, D & Bar-Eli, M (2007). Essential reading in sport and exercise psychology. *Human Kinetics*: 172- 184 .
2. Carron, A.V; Shapcott, K.M & Burke, Sh.M (2007). Group cohesion in sport and exercise: past, present and future. Edited by: Beauchomp, Mark .R and Eys, Mark .A. *Group dynamics in exercise and sport psychology*. Routledge: 117-140 .
3. Carron, AV; Bray S.R; Eys, M.A (2002). Team cohesion and team success in sport. [Journal of Sports Sciences, Volume 20, Issue 2: 119 – 126 .](#)
4. Carron, A.V; Colman Michelle M; Wheeler Jennifer (2002). Cohesion and performance in sport: A Meta analysis. *Journal of sport & exercise psychology*; 24: 168-188.
۵. مرادی، محمدرضا؛ کوزه چیان، هاشم؛ احسانی، محمد و جعفری، اکرم (۱۳۸۳). «رابطه سبک رهبری مربیان با انسجام گروهی بازیکنان در تیم‌های بسکتبال باشگاه‌های لیگ برتر». *حرکت، شماره ۲۹، صص: ۵-۱۶*.
6. Heuze, J; Sarrazin, P; Masiero, M; Raimbault, N; Thomas, J (2006). The relationships of perceived motivational climate to cohesion and collective efficacy in elite female teams. [Journal of Applied Sport Psychology](#), Volume 18, Number 3, 201- 218.
7. Patterson, M.M; Carron A.V & Loughhead, T.M (2005). The influence of team norms on the cohesion–self-reported performance relationship: a multi-level analysis. *Psychology of Sport and Exercise*; (6): 479–493 .
8. Tziner, A; Nicola, N & Rizac, A (2003). Relation between social cohesion and team performance in football teams. *Perceptual & Motor Skills*; Vol. 96, Issue: 145-148 .
9. [Pain, M.A](#) & [Harwood, C](#) (2007). The performance environment of the England youth football teams. [Journal of Sports Sciences](#). Vol. 25, Issue 12; 1307- 1055.

10. Aoyagi, M.W; Cox, R.H; McGuire, R.T (2008). Organizational citizenship behavior in sport: Relationships with leadership, team cohesion, and athlete satisfaction. *Journal of sport & exercise psychology*; 20: 25–41.
11. Turman, P.D (2003). Coaches and cohesion: The effect of coaching techniques on team cohesion in the small group sport setting. *Journal of sport behavior*; vol. 26. N. 1; 86- 104 .
12. Colman, M.M & Carron, A.V (2001). The Nature of Norms in Individual Sport Teams. *Small Group Research*; 32; 206- 222.
13. Hoigaard, R.; Safvenbom, R & Tønnessen, F.E (2006). The relationship between group cohesion, group norms, and perceived social loafing in football teams. *Small group research*; 37(3): 217-232.
14. Raalte, J.L. & Allen E.C (2006). The relationship between hazing and team cohesion. *Journal of Sport Behavior*; Vol. 30, No. 491- 507 .
15. Heuze J; Raimbault, N & Fontayne, P (2006). Relationships between cohesion, collective efficacy and performance in professional basketball teams: An examination of mediating effects. *Journal of Sports Sciences*; 24(1): 59 – 68.
16. Kozub, S.A & McDonnell, J.F (2000). Exploring the relationship between cohesion and collective efficacy in rugby teams. *Journal of Sport Behavior*, Vol. 23.
17. Lowther, J & Lane, A (2007). Relationships between mood, cohesion and satisfaction with performance among football players. *Journal of Sport Psychology*, Volume 20: 56-64.
18. Eys, M.A; Hardy, J; Carron, A.V (2003). The Relationship between task cohesion and competitive state anxiety, *Journal of sport & exercise psychology*; 25:66-76.
19. Meyer, B & Fletcher, T.B (2007). Emotional Intelligence: A Theoretical and Implications for Research and Professional Practice in Sport psychology, *Journal of Applied Sport Psychology*, 19(1): 1- 15.
20. Latimer, A.E; Rench, T.A & Brackett, M.A (2007). Emotional intelligence: A framework for examining emotions in sport and exercise groups. Edited by: Beauchamp, M.R and Eys, M.A. *Group dynamics in exercise and sport psychology*. Routledge: 3- 27.
21. Vallerand, R. J. and Blanchard, C. M. (1999). The study of emotion in sport and exercise. In Y.L. Hanin (Ed.), *Emotions in Sport* (pp. 3–37). Champaign, IL: Human Kinetics.

22. Frijda, N. H. and Mesquita, B. (1994). The social roles and functions of emotions. In S. Kitayama and H. Markus (Eds), *Emotion and culture* (pp. 51–87). Washington, DC: American Psychological Association.
23. Elfenbein, H.A. & Ambady, N (2002). Predicting workplace outcomes from the ability to eavesdrop on feelings. *Journal of Applied Psychology*, 87, 963–971.
۲۴. بشارت، محمد علی (۱۳۸۶). «بررسی رابطه ابعاد شخصیت و هوش هیجانی». *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۸(۲) صص: ۷۹-۹۴.
۲۵. بشارت، محمد علی؛ عباسی، غلامرضا و میرزا کمدیفی، رضا (۱۳۸۵). «تبیین موفقیت ورزشی در ورزش‌های گروهی و فردی بر حسب هوش هیجانی، المپیک، سال چهاردهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، صص: ۸۷-۹۶.
۲۶. یوسفی، فریده (۱۳۸۵). «رابطه هوش هیجانی و مهارتهای ارتباطی در دانشجویان». *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، سال سوم، شماره ۹، صص: ۵-۱۳.
27. Zizzi, S; Deaner, H & Hirschhorn, D (2003), The Relationship Between Emotional Intelligence and Performance among College Baseball players, *Journal of Applied Sport Psychology*, 15(3), 262- 269.
28. Thelwell, R.C; Lane, A.M & et al (2008). Examining relationships between emotional intelligence and coaching efficacy. *USEP*; 6: 224- 235
۲۹. منصور، بهزاد (۱۳۸۰). «هنجاریابی آزمون هوش هیجانی سیبریاشرینگ در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی*.
30. Grewal, D; Brackett, M. A. and Salovey, P. (2006). Emotional intelligence and the self-regulation affect. In D. K. Snyder, J. A. Simpson and J. N. Hughes (Eds), *Emotion regulation in families* (pp. 37–55). Washington, DC: American Psychological Association.
31. Brackett, M. A. and Katulak, N. (2006). Emotional intelligence in the classroom: Skill-based training for teachers and students. In J. Ciarrochi and J. D. Mayer (Eds), *Improving emotional intelligence: A practitioner's guide* (pp. 1–27). New York: Psychology Press/Taylor and Francis.
32. Lopes, P. N; Cote, S. and Salovey, P. (2006). An ability model of emotional intelligence: Implications for assessment and training. In V. Urch Druskat, F. Sala and G. Mount (Eds), *Linking emotional intelligence and performance at work* (pp. 53–80). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.